

بررسی رویکرد سازنده گرایي و نقش آن در تحول ساختار یادگیری در محیط های یادگیری سازنده گرا

حسین دوکوهکی

کارشناسی ارشد علوم تربیتی (گرایش تکنولوژی آموزشی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز

دکتر علی محمد احمدی قراچه

استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور

چکیده

نظریه های نسبتاً جدیدی که در آموزش و پرورش و روانشناسی با نام نظریه های سازنده گرایي مطرح شده اند ریشه در اندیشه های علمی و فلسفی گذشته دارند. دیدگاه های سازنده گرایي از پژوهش های پیاژه، ویگوتسکی، روانشناسان گشتالتی، بارتلت و برونر، و نیز از فلسفه پرورشی جان دیویی سرچشمه می گیرند. هدف از این مقاله بررسی رویکرد سازنده گرایي و نقش آن در متحول ساختن یادگیری در محیط های یادگیری سازنده گرا می باشد. امروزه دانش آموزان نیاز دارند تا بفهمند که چگونه به اطلاعات مورد نیازشان دسترسی داشته باشند و چگونه این اطلاعات را در موقعیت های واقعی زندگی به کار ببرند. علاوه بر این، دانش آموزان با موقعیت های بسیاری مواجه هستند که برای آن جواب سر راست و از پیش آماده شده ای وجود ندارد بلکه به جای آن، آنها بایستی بتوانند موقعیت ها را تحلیل کنند و دانش و مهارت خود را برای پیدا کردن راه حلی که مفید است به کار گیرند. فیلسوفان، روانشناسان و صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت به تبع این تحولات، به نظریه های جدید یادگیری بویژه سازنده گرایي روی آوردند. دیدگاه سازنده گرایي تأکید می کند که یادگیرنده، فعالانه دانش را می سازد (سانتراک، ۲۰۱۲). شانک (۲۰۰۰)، به نقل از سیف، (۱۳۸۹) گفته است: سازنده گرایي یک دیدگاه روانشناختی و فلسفی است که طبق آن افراد بیشتر آنچه را که یاد می گیرند و می فهمند، خود می سازند و شکل می دهند.

کلید واژه ها: سازنده گرایي، یادگیری، محیط های یادگیری، رویکرد

مقدمه

اگرچه سازنده گرایی در سالهای اخیر شهرت زیادی کسب کرده است، اما ایده این نظریه جدید نیست. جنبه هایی از سازنده گرایی را میتوان در کارهای افلاطون، سقراط و ارسطو یافت (بین سال های ۳۲۰ - ۴۷۰ ق.م) که در خصوص شکل گیری دانش سخن گفته اند. اگرچه فلسفه اصلی سازنده گرایی به طور کلی به پیازه نسبت داده شده است، اما هاینریش پستالوژی نیز یک قرن قبل از او به نتایج مشابهی رسیده بود. وی می گوید که فرایند تربیتی باید مبتنی بر رشد طبیعی کودک و تاثیرات حسی او باشد. نوع آوری آموزشی پستالوژی عبارت بود از اصرار وی مبنی بر اینکه کودک به جای لغات از طریق حواس می آموزند. وی یادگیری بدون تفکر را یادگیری طوطی وار یا rote learning می نامد در حالی که برنامه درسی را باید به تجربیات کودک در خانه و خانواده ارتباط داد. به هر حال پیازه پدر سازنده گرایی شناخته می شود و مبنایی برای سازنده گرایی مدرن فراهم ساخته است

سازنده گرایی از لحاظ فلسفی در نقطه مقابل رفتارگرایی و شناخت گرایی که، هر دو دارای زیربناهایی فلسفی ریالیستی هستند قرار دارد، ریالیست ها معتقدند که واقعیت خارج از ذهن وجود حقیقی دارد و هدف آموزش، انتقال ساختار این واقعیت به ذهن شاگرد است. (داک ورت، ۱۹۸۷).

سازنده گرایی در تعلیم و تربیت بدین معنی است که مریبان به یک شیوه کل گرایانه در خصوص یادگیری اعتقاد پیدا خواهند نمود که امری کاملا متفاوت با روش تدریس مستقیم است. در این نظریه می توان دیدگاه های ویگوتسکی و برونر را مد نظر قرار داد. البته برونر، از حامیان مهم پیازه، معتقد است که رشد درک مفهومی و مهارت های شناختی جزو اهداف مهم تعلیم و تربیت است. این رشد از نظر او تنها به سه شیوه تفکر حاصل می شود. حرکت (enactive)، تصویری (inonic) و نمادی (symbolic) این سه شیوه راههای اصلی معنا بخشیدن به تجارب کودک است.

بنابراین می بینیم که مهمترین پیش فرض معرفت شناسانه سازنده گرایی، که آن را در زمره دیدگاه های فلسفی ایده ایستی قرار می دهد، شکل گیری معنا بعنوان تابعی از چگونگی ساختن آن بر اساس تجربه های فرد است

تعریف و مفاهیم

به عقیده سازنده گرایان، یادگیرندگان واقعیت خویش را میسازند یا حداقل آن را مبتنی بر ادراک و تجربیات خود تفسیر می کنند. بنابراین دانش شخصی تابع تجربیات پیشین، ساختارهای ذهن و اعتقادات شخصی است که برای تفسیر اشیاء و وقایع مورد استفاده قرار می گیرد. آنچه یک شخص می داند در ادراک از تجربیات فیزیکی و اجتماعی که به وسیله ذهن فهمیده میشود ریشه دارد.

سازنده گرایی یک شناخت شناسی و یک نظریه یادگیری است که در قیاس با نظریه های شناخت شناسی و یادگیری گذشته، یک تبیین تازه از ماهیت دانش و چگونگی یادگیری انسان به دست می دهد. بنا به این دیدگاه انسانها درک و فهم و دانش تازه خود را از راه تعامل بین آنچه از قبل می دانند و باور دارند با اندیشه ها، رویدادها، و فعالیت هایی که با آنها روبرو می شوند، می سازند.

هنگامی که صحبت از سازنده گرایی به میان می آید در واقع لازمه آن پذیرفتن سه پیش فرض است:

۱. ادراک در تعامل ما با محیط شکل می گیرد و نمی توانیم در مورد چیزی که یاد گرفته شده جدا از این که چگونه یاد گرفته شده است صحبت کرد.

۲. تعارض شناختی محرکی برای یادگیری می باشد.

۳. دانش در بستر اجتماعی شکل می گیرد.

جاکوبسن در مقاله خود تحت عنوان «سازنده گرایی و معماری شناخت» به منظور شفاف ساختن مفهوم سازنده گرایی فهرستی از اصولی که در بردارنده معنای سازنده گرایی است ارائه کرد، زیرا به زعم ایشان دیدگاه واحدی از سازنده گرایی وجود ندارد و اکثراً صاحب نظران با اصول اساسی که توسط این نظریه حمایت می شود توافق دارند این اصول عبارتند از:

۱. افراد درک آنچه را که مطالعه می کنند را به جای این که ثبت کنند می سازند.

۲. فرایند ساخت دانش هم در موقعیت های طبیعی و هم در تجارب یادگیری رسمی رخ می دهد.

۳. محصول ساخت دانشی درک می شود که توسط فرد معنا سازی شده باشد.

۴. محصول ساخت دانش به وسیله ی تجارب و دانش فرد تغییر می یابد.

۵. تعامل با دیگران بفرایند ساخت و ایجاد ادراک تاثیر می گذارد.

بر اساس مطالب فوق می توان این گونه استنباط کرد که سازنده گرایی گفتمانی در حوزه ی یادگیری و روان شناسی شناختی می باشد که بر این باور است که دانش به وسیله ی فرد ساخته می شود. به عبارتی این خود فرد است که با توجه به تجارب و دانش پیشین خود موقعیت جدید را تعبیر و تفسیر کرده و در نتیجه تعامل با محیط دانش جدید خود را شکل می دهد. در فرایند اول اطلاعات جدید به ساخت شناختی اضافه می شود و در حالت دوم ساخت شناختی تغییر می یابد به منظور این که اطلاعات جدید را جذب کند. به زعم پیازه یادگیری انسان سرتاسر ساختاری منطقی دارد. وی نیز نتیجه می گیرد که منطق کودک و روش های تفکرشان اساساً با بزرگسال متفاوت است بر اساس این دیدگاه ها، پیازه به عنوان پدر سازنده گرایی مطرح است.

روش پژوهش:

اطلاعات این مقاله از مدارک و اسناد کتابخانه ای و تحلیل منابع و مقالات پژوهشی گذشته گردآوری شده است. نتایج حاصل از این پژوهش کتابخانه ای نشان می دهد که در دو دهه اخیر، دانش و مهارت های مورد نیاز برای موفقیت در زندگی امروزی به دلیل تحولات در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فناوری تغییر یافته است.

یافته های تحقیق:

همزمان با روی کار آمدن نظریه های سازنده گرایی متخصصان تعلیم و تربیت به طراحی محیط های یادگیری کلاسی بر اساس اصول و فرضهای سازنده گرایی روی آوردند (آلدريج، فریسر، تیلور و چن، ۲۰۰۰؛ آلدريج، دورمن و فریسر، ۲۰۰۴؛ تیلور و فریسر، ۱۹۹۱؛ تیلور، فریسر و فیشر، ۱۹۹۷). نتایج پژوهش های پیشین بیانگر آن است که محیط یادگیری که بر اساس اصول سازنده گرایی بنا شده باشد، محیط یادگیری مناسبی برای کلاسهای درس است. بررسی های اخیر نشان می دهند که محیط های یادگیری حداقل باید از ۵ ویژگی برخوردار باشند. این ویژگی ها عبارتند از: ارتباط شخصی، عدم قطعیت، مذاکره با دانش آموز، نظارت مشترک، تعیین و اجرای ملاکهای سنجش بیان انتقادی. در ادامه به بررسی این ویژگی ها خواهیم پرداخت.

۱. ارتباط شخصی:

این ویژگی میزان ارتباط علوم مدرسه با تجارب خارج از مدرسه دانش آموزان را نشان می دهد. لذا، طبق این ویژگی معلمان بایستی از تجارب روزمره دانش آموزان به عنوان زمینه ی معناداری برای رشد دانش علمی آنها استفاده کنند.

۲. عدم قطعیت:

یکی از فرضهای اساسی دیدگاه سازنده گرایی این است که دانش نسبی و حاصل استدلال شخصی است. لذا، معلمان بایستی فرصتهایی برای دانش آموزان فراهم کنند تا دانش علمی خود را کشف کنند و از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در مورد آنها داوری کنند.

۳. مذاکره با دانش آموز:

اگرچه مذاکرات بین معلم و دانش آموز دارای اهمیت است. اما در محیط های یادگیری سازنده گرا به معلمان توصیه می شود که با استفاده از راهبردهای آموزشی مناسب مذاکرات بین دانش آموزان را بعنوان فعالیت اصلی کلاس ارتقاء دهند. این ویژگی، نشان می دهد که تا چه میزان روشهای آموزشی معلم به دانش آموزان فرصت می دهد تا اندیشه هایشان را برای دیگر دانش آموزان توضیح دهند و دیگران آن اندیشه ها را مورد قضاوت قرار دهند و خود نیز با دقت به اندیشه های دانش آموزان دیگر گوش دهند و روی سودمندی آنها تأمل کنند.

۴. نظارت مشترک:

طبق دیدگاه سازنده گرایی ما می خواهیم دانش آموزان فرصت هایی داشته باشند تا به صورت یادگیرندگان خودسامان درآیند. لذا، معلمان بایستی فرصتهایی برای دانش آموزان فراهم کنند تا بتوانند تا حدودی بر یادگیری شان نظارت داشته باشند. این ویژگی نشان می دهد که تا چه میزان از دانش آموزان خواسته می شود در همراهی با معلم بر محیط یادگیری نظارت داشته باشند مثلاً، در تعیین اهداف یادگیری خودشان، طراحی و مدیریت فعالیت های یادگیری خودشان.

۵. تعیین و اجرای ملاکهای سنجش بیان انتقادی:

طبق دیدگاه نظریه انتقادی، معلمان بایستی در مقابل ایرادهای دانش آموزان انتقادپذیر باشند تا نگرش های انتقادی دانش آموزان نسبت به فعالیت های یادگیری و آموزش، رشد یابد. این ویژگی نشان می دهد که تا چه میزان جوحاکم بر کلاس به دانش آموزان اجازه می دهد تا در مورد روشها و برنامه های آموزشی معلم سؤال کنند و هرگونه دلنگرانی در مورد موانع یادگیری شان را بیان کنند. به طور کلی، در محیط یادگیری سازنده گرا معلمان نقش تسهیل گر را ایفا می کنند و دانش آموزان را به رشد فکری تشویق می کنند، دانش آموزان از دانش قبلی شان استفاده می کنند و در ضمن رشد فهم شان نسبت به موضوعات علمی جدید، عمیقاً روی نظرات دانش آموزان دیگر می اندیشند. لذا، طبق شواهد فلسفی و تربیتی که این مقاله فراهم می سازد می توان نتیجه گرفت که طراحی محیط های یادگیری طبق اصول و مفروضه های رویکرد سازنده گرایی بستر مناسبی برای رشد همه جانبه یادگیرندگان و آماده سازی آنها برای مقابله با چالش های زندگی امروزی مهیا می سازد.

در حالی که جوناسن هشت ویژگی را برای محیط های یادگیری سازنده گرا پیشنهاد می کند:

۱. محیط های یادگیری سازنده گرا بازنمایی های چندگانه از واقعیت را فراهم می کنند.

۲. بازنمایی های چندگانه از ساده سازی زیاد اجتناب کرده و پیچیدگی دنیای واقعی را نشان می دهد.
 ۳. محیط های یادگیری ساخت گرا یا سازنده گرا بر ساختن دانش به جای تولید مجدد آن تاکید دارند.
 ۴. محیط های یادگیری سازنده گرا بر تکالیف اصیل در بستر معنادار تاکید دارند.
 ۵. محیط های یادگیری سازنده گرا، محیط های یادگیری از قبیل موقعیت های دنیای واقعی یا یادگیری مبتنی بر مورد را به جای توالی از پیش تعیین شده آموزش فراهم می کند.
 ۶. محیط های یادگیری سازنده گرا تامل فکورانه در تجربه را تشویق می کند.
 ۷. محیط های یادگیری سازنده گرا، ساخت دانش را بر اساس موقعیت انجام می دهند.
 ۸. محیط های یادگیری سازنده گرا از ساخت جمعی دانش از طریق مذاکره اجتماعی میان یادگیرندگان و نه رقابت حمایت می کنند.
- طراحی محیط یادگیری سازنده گرا شش عنصر مهم را که عبارتند از: موقعیت، گروه بندی، پل (پیوند)، سوالات، نمایش و تامل را در بردارد. این عناصر برای برانگیختن و وادار نمودن معلم به برنامه ریزی و تامل درباره فرایند یادگیری دانش آموزان طراحی شده است. معلم موقعیتی را برای دانش آموزان به منظور تبیین ایجاد می کند، فرایندی برای گروه بندی مواد و دانش آموزان به کار می برد، پلی بین آنچه دانش آموزان تا کنون می دانند و آنچه که آن ها می خواهند بدانند برقرار می کند، پرسش هایی را برای پرسیدن پیش بینی می کنند و دانش آموزان به نمایش بازنمایی از تفکرشان می پردازند و معلم تقاضا می کند که دانش آموزان در مورد یادگیری شان تامل کنند.

بررسی مولفه های برنامه ریزی درسی در نظریه سازنده گرایی

این نظریه الگوی خوبی برای طراحی کتاب درسی است و قابلیت علمی و تعمیم پذیری برای همه سطوح تحصیلی را دارد و برای اجرا بسیار ساده و ملموس است و یادگیری را از سطح دانش به سطح قضاوت و ارزشیابی می کشاند و یادگیری روانی - حرکتی را با عواطف و شناخت عجین می سازد. مطالب در مورد این دیدگاه بسیار زیاد است که سعی می شود بطور خلاصه کاربرد آن در جدول زیر ارائه شود.

جدول شماره ۱: کاربرد نظریه سازنده گرایی در برنامه درسی

| کاربردها | زمینه ها |
|--|----------|
| هدفها کلی و جهت دهنده هستند | هدف ها |
| آماده ساختن دانش آموز برای ساخت و تولید دانش | |
| ایجاد یادگیری عمیق، پایدار و توأم با فهم و بصیرت | |
| تشویق فراگیران به انجام فعالیت های انعکاسی و فراشناختی | |
| جلب رضایت فراگیران از یادگیری و ایجاد انگیزه برای یادگیری موثر | |
| کسب مهارتهای لازم زندگی مثل صحبت کردن، گوش دادن، استدلال کردن و حل مساله | |
| بهبود روابط میان گروهی - سیالی کلام - سیالی ذهن - عزت نفس - تفکر سطح بالا، نگرش و انگیزش | |
| ساخت دانش، توسعه مهارتهای فراشناخت، توان حل مساله و انعطاف پذیری تفکر | |

| | |
|---|------------------------------|
| <p>فراهم سازی فرصت های لازم برای استفاده و تقویت مجموعه توانایی های عقلانی دانش آموزان. توسعه تفکر انتقادی و ایجاد توان تحمل اندیشه های مخالف. (ملکی ۱۳۸۱)</p> | |
| <p>فراگیران از یکدیگر و از معلم می آموزند. سازنده دانش است و آن را با دانش قبلی خود مربوط می کند. انبار کننده دانش نیست. بلکه تولید کننده فکر است و به پردازش شناختی دست می زند. اطلاعات دریافتی را سازمان می دهد، تجدید نظر می نماید و ساخت جدیدی به آن می دهد و در واقع معمار آموزش خود است. فعالانه اطلاعات را دستکاری و از استعدادهای عقلانی خود در برخورد با مسائل علمی و اجتماعی استفاده می کند. فراگیر فعال و پویاست. تمام فعالیتها توسط او انجام می شود. دائماً در حال مطالعه و بررسی و تفکر و تجسس است. شناخت مسئله و حل آن یکی از فعالیتهای مهم فراگیر است. یادگیرندگان با معلم تشریک مساعی می کنند و در بحث و اظهار نظر شرکت می کنند و مهارتهای همکاری را در خود تقویت کند. فراگیر باید قادر به خودکنترلی در یادگیری باشد و به ارزیابی از یافته های خود بپردازد. تحمل اندیشه های دیگران و اندیشه های مخالف را باید داشته باشد.</p> | <p>نقش یادگیرنده</p> |
| <p>دانش از تجربه شکل می گیرد. یادگیری تفسیر فرد از دنیاست فرایندی فعال است که در آن معنی بر مبنای تجربه بدست می آید رشد فکری از تبادل معنا، اشتراک چند دیدگاه و تفسیر تجسم های درونی ما از طریق یادگیری جمعی بدست می آید. یادگیری باید در موقعیت های واقعی صورت گیرد دانش ها از طریق فرایند انتزاع فکر ساخته می شود. ساختارهای شناختی در یادگیرنده فرایند یادگیری را تسهیل می کند. ساختارهای شناختی افراد در یک فرایند پیشرفت مداوم است. یادگیری و شناخت یک فرایند انطباقی است که دارای کارکردهایی برای ساختن رفتار در یک محیط خاص است. یادگیری شامل پردازش شناختی فعال است. یادگیری ذهنی است و عینی نیست یادگیری شامل فرایندهای اجتماعی فرهنگی و شخصی است معنی در ذهن فراگیر در نتیجه تعامل او با جهان ساخته می شود. ساخت معنی یک فرایند فعال روانشناختی است که نیاز به توسعه و تلاش ذهن دارد.</p> | <p>فرایند یادگیری</p> |
| <p>موقعیت عدم تعادل از طریق مباحثه استدلال می تواند منجر به یادگیری شود. یادگیرندگان در محیط یادگیری با مسائل خاص روبرو می شوند و به حل آنها می پردازند و یادگیری در یک بافت واقعی روی می دهد. محیط غنی برای حل مسئله لازمه پرورش تفکر انتقادی است. نحوه سازماندهی کلاس(صندلی ها، میزها و مواد آموزشی) اهمیت دارد و باید به گونه ای باشد که تعامل برقرار کند. محیط یادگیری بازنمایی واقعیت هاست و این بازنمایی پیچیدگی دنیای واقعی را نشان می دهد.</p> | <p>محیط یادگیری</p> |



تعلیم و تربیت، روانشاسی، حقوق و مطالعات فرسنگی - اجتماعی

کترانس ملی
دستاوردهای نوین جهان در



- از طریق تمرین و رشد ذهنی می توان محیط را تغییر شکل داد
- محیط کلاس باید چالش انگیز و دور از هراس و تهدید باشد.

Archive of SID

| | |
|---|---------------------------------|
| <p>معلم اشتغال عملی فراگیران را با فرصت های یادگیری طرح ریزی شده فراهم می کند. راهنمای فعال است و نقش تسهیل کننده را بازی می کند. برای آموزش از منابع دست اول استفاده می کند. از دانش آموزان می خواهد درک و فهم خود را از مفاهیم قبل از اینکه آنها را شرح دهد، بیان کنند. دانش آموزان را به پژوهش در مورد پژوهش هایی که نیازمند اندیشیدن است، تشویق می کند. بعد از طرح سوال به دانش آموزان فرصت می دهد تا فکر کنند. به فردیت، خلاقیت و رشد ابعاد عاطفی فراگیران توجه می کند. معلم فردی فعال است، قبل از یادگیری تدارکات لازم را تهیه و در ضمن یادگیری فعالیت یادگیرندگان را کنترل، نظارت و هدایت می کند و بعد به ارزیابی آنها می پردازد. معلم در توسعه مهارتها، ساخت مفاهیم، بررسی عقاید و یادگیری چگونه فکر کردن کمک می کند. گروه بندی شاگردان یکی از وظایف مهم معلم است که قبل از آموزش باید انجام دهد. مسئول انتخاب و تنظیم محتوا در ضمن جریان یادگیری است. مسئول اجرای صحیح یادگیری است. زمینه ارتباط تجارب قبلی فراگیران را با تجارب جدید فراهم می کند. برای معلم تسلط کامل بر فرایند یاددهی - یادگیری ضرورت دارد. به دقت تفکر کردن را تحت نظر دارد و با استفاده از پرسش، مساله و تمثیل آن را ترغیب می کنند.</p> | <p>نقش معلم</p> |
| <p>شاگرد محورست و معلم و شاگرد با کمک هم به طراحی آموزشی می پردازند. تدریس اثربخش، راهبردهای متنوعی از یادگیری را به خدمت می گیرد. زیرا مغز یک پردازش گر موازی است. یادگیرنده منفعل نیست و لذا تدریس باید یادگیرنده را فعال کند. یادگیری مستلزم کنش و واکنش فعال محیط است. هنگام یادگیری فقط ذهن مورد خطاب نیست، بلکه تمام وجود و کالبد انسان را به خود مشغول می کند. یافتن معنی امری بیرونی است و برای هر فرد جنبه شخصی دارد و ادراکها مبتنی بر تجربه های منحصر به فرد آنان است. تدریس اثربخش، ایده و اطلاعات مجزا را به مفاهیم و موضوعات کلی مرتبط می کند. عواطف، احساسات و نگرشها در یادگیری نقش اساسی دارند.</p> | <p>روش آموزش و تدریس</p> |
| <p>به فرایندهای یادگیری بیشتر از فرآورده های آن توجه می شود. ارزشیابی باید بتواند مهارتهای گوناگون فکری را تقویت کند. آزمون باید حاوی مسائلی باشد که فراگیران برای حل آن به مهارتهای فکری نیاز داشته باشند. آزمونها باید به درک و فهم یادگیرنده توجه داشته باشد و نه به حفظ معلومات ارائه مقاله، ارائه شفاهی، گزارش پروژه های گروهی از ارزشیابی باید وجود داشته باشد. ارزشیابی باید مداوم و مستمر باشد. در ارزشیابی باید یادگیری مهارتهای تفکر انتقادی سنجیده شود. ارزشیابی وسیله ای برای شناخت نارسایی، بهبود و اصلاح است و باید بر اساس موقعیت، علایق، نیازها و شیوه های یادگیری فراگیر باشد. ارزشیابی غیررسمی و مهارت محور است. از آزمونهای خودکنترلی و خودارزیابی استفاده شود. ارزشیابی هدف آزاد است یعنی هم به نتایج مورد انتظار توجه دارد و هم به نتایجی که انتظار وقوع آن را نداشته است. آزمونهای بازپاسخ و عملکردی روشهای خوبی برای ارزشیابی هستند.</p> | <p>ارزشیابی</p> |

نتیجه گیری:

سازنده گرایی براساس این فرض بنا شده است که ما با تامل بر تجربیاتمان و ادراکاتمان، دنیایی که در آن زندگی می کنیم را می سازیم. هر یک از ما مدل های ذهنی خودمان را خلق می کنیم و بنابراین یادگیری فرایند انطباق مدل های ذهنیمان با تجربیات جدید محسوب می شود. به طور کلی، سازنده گرایی یک شناخت شناسی و یک نظریه یادگیری است که در قیاس با نظریه های شناخت شناسی و یادگیری گذشته، یک تبیین تازه از ماهیت دانش و چگونگی یادگیری انسان به دست می دهد. بنا به این دیدگاه انسانها درک و فهم و دانش تازه خود را از راه تعامل بین آنچه از قبل می دانند و باور دارند با اندیشه ها، رویدادها، و فعالیت هایی که با آنها روبرو می شوند، می سازند.

چنان که ذکر گردید انتقال معنا از قبیل مفهوم یا ساختارهای مفهومی از فردی به فرد دیگر از منظر سازنده گرایی غیرممکن می باشد لذا معلمی که هدف تغییر دادن چیزی در ذهن دانش آموز را دارد بایستی برخی از تصوراتی که در ذهن دانش آموز وجود دارد را بشناسد. در مسایلی که معلم مطرح می کند گرچه خود پاسخ سوال را می داند اما او به کمک کردن به دانش آموزان توجه می کند، تا روی آزمودن دانش فعلی شان تامل کنند. معلم به دانش آموزان کمک می کند تا دانش را بسازند و در این راستا او از ابزارهایی از قبیل حل مساله به یادگیری مبتنی بر پژوهش مدد می گیرد.

به طور روشن و آشکار آموزش مبتنی بر سازنده گرایی از رویکرد سنتی آموزش معلم محور مبتنی بر سخنرانی متفاوت می باشد. تحقیقات نشان داده است اثربخشی روش سازنده گرایی به مراتب بیشتر است. در پژوهشی که توسط کاپریو صورت گرفت به مقایسه رویکرد سازنده گرایی با شکل سنتی آموزش یعنی سخنرانی پرداخته شده است.

به طور کلی می توان موارد زیر را به عنوان مزایای بهره گیری از معلم سازنده گرا و نقشش در پرورش دانش آموز سازنده گرا قلمداد نمود:

۱. بچه ها بیشتر یاد می گیرند و یادگیری لذت بخش تر می شود وقتی آن ها به گونه ای فعال درگیر می شوند.
۲. تعلیم و تربیت زمانی که روی تفکر و درک به جای به خاطر سپاری صرف متمرکز شود بهتر کار می کند. معلم سازنده گرا روی یادگیری چگونه فکر کردن و درک کردن متمرکز است.
۳. یادگیری سازنده گرا قابل انتقال می باشد. در کلاس های درس ساخت و ساز گرا دانش آموزان به گونه ای به یادگیری می پردازند که بتوانند آن را در محیط های دیگر به کار ببرند.
۴. سازنده گرایی به دانش آموزان مالکیت آنچه آن ها یاد می گیرند را می دهد. هنگامی که یادگیری مبتنی بر سوالات و بررسی های دانش آموزان باشد و آن ها در طراحی و ارزشیابی نقش ایفا کنند این امر رخ می دهد.
۵. معلم سازنده گرا فعالیت های یادگیری اساسی در بستر دنیای واقعی، سازنده گرایی دانش آموزان را بر می انگیزاند و درگیر می سازد.
۶. معلم سازنده گرا به ایجاد محیط کلاس درس مبتنی بر مشارکت و تبادل آرا تاکید می کند.

منابع

۱. سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران: نشر دوران
۲. سانتراک، جان دبلیو (۲۰۱۲)، زمینه روانشناسی، جلد اول، مترجم مهرداد فیروز بخت، انتشارات رسا.
۳. شانک، دیل اچ (۲۰۰۰)، نظریه های یادگیری چشم انداز تربیتی، مترجم اکبر رضایی، ناشر آیدین.
۴. داک ورث، آنجلا (۱۹۸۷)، عزم قدرت اشتیاق و ثبات قدم، مترجم سید سینا میرعربشاهی، انتشارات فیروزه.
۵. Aldridge, J. M., Fraser, B. J., Taylor, P. C., & Chen, C. C. (2000). Constructivist learning environments in a cross-national study in Taiwan and Australia. *International Journal of Science Education*, 22, 37-55.
۶. Aldridge, J. M., Dorman, J. P. & Fraser, B. J. (2004). Use of multitrait-multimethod modelling to validate actual and preferred forms of the Technology-Rich Outcomes Focused Learning Environment Inventory (TROFLEI). *Australian Journal of Educational and Development Psychology*, 4, 110-125.
۷. Santrock, J. W. (2012). *Educational Psychology*. New York: McGrawHill. Taylor, P. C., & Fraser, B. J. (1991, April). Development of an instrument for assessing constructivist learning environments. Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, New Orleans, LA.
۸. Taylor, P. C., Fraser, B. J., & Fisher, D. L. (1997). Monitoring constructivist classroom learning environments. *International Journal of Educational Research*, 27, 293-302.

Archive of SID